

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- سردبیر:** حسام‌الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- زرین رستمی وند(اجتماعی)

ایران



سخن‌روز

امام محمد باقر(ع):

سخن نیک را ز هر کسی، هر چند به آن عمل نکند، فرا گیرد.

بخارا،انوار، دار احیاء التراالعربی، ج ۷۵



نگاره

بیداری جهانی



↑ ↓ 📷 **نیما مشیری / طراح** و کارتنویست



فضای مجازی



گفته است: «علی نصیریان انسان بسیار شریفی است و کار کردن با او همیشه توأم با آرامش است. دو- سه کار با او هم‌بازی بودم و ایشان از اینکه با بازیگرهای دیگر دیالوگ تمرین کند، ابایی نداشت. زمانی که می‌خواست یک سکانس را کار کند، جدا از اینکه خودش متن را خوانده و تحلیل‌هایش را انجام داده بود، بسیار صادقانه از بازیگرمقبالمش می‌خواست که دیالوگ‌ها را تمرین کند و تمرین را چندین بار تکرار می‌کرد. برخی از بازیگران این کار را کسر شأن خود می‌دانند، آنها فکر می‌کنند اگر تنها دیالوگ‌های خود را حفظ باشند کافی است؛ در حالی که کار بازیگری، بده بستان است و باید با بازیگرمقابل این کار را به درستی انجام داد و علی نصیریان در این زمینه واقعاً شاهکار است.»



تجربه‌های بسیار هماهنگ با محیط و جغرافیا و تاریخ ویژه ما توانسته بود به دنیا نشان دهد. از جمله افرادی که چشمانی باز و نگاهی نو به زندگی دارند و در فرایندی کششی- کوششی و دیالکتیک‌وار و مستمر همراه با زمان و زمانه پیش می‌آیند و سعی در همراه کردن زندگی و زندگان با منطق تحولات زمانه دارند.»

پاکدل در انتهای متن نوشته است: «آثار استادانندوشن بی‌استثنا همه خوانندنی و پر مغز است. نسل ما با تک تک نوشته‌های ایشان‌بایلد و قد کشید. قلم او برای همیشه می‌نوشت.»



که ناامید، در حال اقدام برای بازگشت به تهران بودم خبر باز شدن درهای تخت جمشید را به من دادند. این‌بخش تار ایرانی، برای من مقدس است به خاطر مکان ویژه و تلاش ویژه‌ای که برای ورود به آن داشتم.» پروژه «تار ایرانی» به همت و ایده علی قمصری و با محوریت تارنوازی طراحی شده است. قمصری در این پروژه قصد دارد به استان‌های مختلف کشورمان سفر کند. او در هر کدام از این سفرها در یکی از مکان‌های تاریخی کشورمان‌به تارنوازی می‌پردازد.



داده بود در استوری اینستاگرام خود، خبری را که بازنشر کرده بود را اصلاح کرده و نوشته: «در خصوص خبر «قطع تعداد زیادی از درختان سع‌آباد»ه تحقیق و یقین حاصل کردم که این خبر صحیح نبود. در سع‌آباد درختی قطع نشده است. موضوع از این قرار است که سه تنه خشکیده دو سه منتری؛ که به دلیل خم شدن به روز گذرگاه عمومی، جان مردم را تهدید می‌کرده را برای حفظ جان مردم قطع کرده‌اند. عکس وانتهی هم که منتشرشده مربوط به طرح جمع‌آوری لاشه الوارهای رها شده در رودخانه، ناشی از خشکه‌گیری پارسال بوده که اگر جمع‌آوری نمی‌شد می‌توانست مسیل دربند را در فصل بارندگی تبدیل به سیلاب کند.»



پژمان بازغی دنبال کندگان صفحه اینستاگرامش را به تماشای

فیلم «جوجه تیغی» دعوت کرده است. جوجه‌تیغی اولین فیلم

مستانه مهاجر در مقام کارگردان است. حامد کمیلی، پانته‌آ پناهی،

هادی کاظمی، آناهیتا درگاهی، نازنین بیاتی و...و دیگر بازیگران

این فیلم هستند.

- بنفشه غلامی(جهان)
- لیدا فخری(اندیشه) «محمدرضا عزیززی(گزارش)
- زهرا کشوری(زیست‌بوم) «فرناز قلعه‌دار(حوادث)
- مهدی کلهرزاد(اجرایی)
- حجت حکیمی(صفحه‌آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری)
- ابوالفضل نسایی(عکس)



نقل قول



ناصرفیض
شاعر

درباره غزه آثاری خلق کنیم که جهانی شوند

در مقابل کاری که صهیونیست‌ها می‌کنند و جنایت‌هایی که راه انداخته‌اند هر کاری هم انجام دهیم در حوزه شعر مقاومت هنوز هم جای کار دارد. تا زمانی که شعرا و هنرمندان در مورد غزه کار جهانی نکنند، آثارشان دیده و در جهان پخش نشود شاید به آن معنا نتوانیم ادعا کنیم که مقابل جنایت‌های صهیونیست‌ها کاری کردیم. البته ناگفته‌نماند کارهایی که انجام می‌شود اگرچه کافی نیست اما حداقل خوبی آن این است که به‌عنوان تیری در تاریکی زدن باشد. بودنش باز هم بهتر از این است که بی‌توجه باشیم. تبلیغات دشمن بسیار قوی است و نیازمند این هستیم که متناسب با این پیش‌برویم و اشعار ما باید برند شوند. این ظلم و مظلوم، جهانی شده است و همه دنیا می‌دانند که در فلسطین چه خبر است. چرا نباید این اشعار به گوش همه جهانیان برسد؟ آثار هنرمندان در مورد غزه باید مانند فیلم محمدرسول‌الله(ص) جهانی شود. شعر ما باید معیار جهانی پیدا کند نه اینکه معیار ما فقط اعتقادات و دیدگاه‌های سیاسی خودمان باشد. در حوزه طنز هم برای غزه کار کرده‌ام که البته آنها را در محافل خصوصی ارائه می‌کنم.

| بخشی از گفته‌های این شاعر طنزپرداز با ایرنا



یادداشت

موسیقی، به مثابه رسانه (۵)

است و توحید، مظهر وحدت و صلح و مصالحه است. آنگاه که هنر به وحدت‌رسد، با عقل صلح می‌کند، زینرا عقل، جنگجوی صلح است. عقل برای صلح با غیرموجود می‌جنگد و این جنگ، بی‌توقف و بی‌اعتقال است. هنر اگر به وحدت‌رسد، با عقل به صلح می‌رسد!

شکراریند که میان من و او صلح افتاد

صوفیان رقص کنان ساغر شکران زنده

خب! اما در مورد عقل آیا همین‌طوراست؟!آیا عقل خود به وحدت رسیده است؟!عقل، قوه تشخیص درست از غلط است و حتی «العقلُ ما عُیِّدُ به الزُحْمِ». عقل اصلاً مخلوق احد و واحد است. عقل بهترین مخلوق خداست. محبوبش است. هیچ موجودی نرزد حق به اعتبار و منزلت آن نیست! چگونه در وحدت‌نباشد؟!عقل هم خود در وحدت است و هم ضامن وحدت غیرخود است! پس عقل با حق در وحدت است و متحدان با او را می‌شناسد! هنر اگر در وحدت‌نباشد، با عقل درجنگ می‌شود. یعنی چه در وحدت‌نباشد؟! یعنی اگر راهی و دال به (او‌هو) نباشد! هیچ متحدی ازمتحد خود خاموش نیست! شرط اتحاد آن است که از متحد خود، غافل نباشی!وحدت که اصلاً فقط او است. دراتحاد، دوطرف نسبت هستند. در وحدت، اصلاً به

غیر او نیست! فقط اوست. هنر، اگر در وحدت باشد، زبان و اشارت او می‌شود! او نما است. او نمایی می‌کند. از خود رنگی ندارد. رنگش او می‌شود! رنگ و طرحش دال به اوست. این هنر، با عقل درصلح کامل است. عقل از او می‌گوید. هنر او را نشان می‌دهد. عقل گوش اونما و هنر چشم اونما می‌شود. یعنی عقل او را در گوش ما می‌خواند و هنر، او را در چشم ما می‌نشاند.

آزمودم عقل دوراندیش را بعد از این دیوانه سازم خویش را

هنر، با عقل جایس نیست. مجالس هنر، روح است و روح در مجالست با هنر، راضی می‌شود. عقل که از عوامل مؤثر روح است، در رضایت روح ازهنر، شرط لازم نیست. البته ممکن

است به خشنودی و رضایت برسد ولی روح، رضایتش از هنر را وابسته به رضایت عقل نمی‌کند. ممکن است توصیه عقل را گردن نهد و از مجالست با هنر، خودداری نماید! ولی کسب رضایتش، منوط به جوازعقل نیست. تا عقل بخواهد در کار شود، هنراثر عمیق خود را برروح حک نموده است. روح فقط می‌تواند از پرهیز و نهیب عقل تبعیت کند و از مجالست با هنر، پرهیزد اما همین که در شعاع آن قرارگیرد، مستقیماً از آن متأثرمی‌شود. پس روح با هنر، جنگی ندارد. جنگی اگر باشد، میان عقل وهنراست! هنر گاهی همه زحمات عقل را بر باد می‌دهد. هرآنچه عقل در آموزش‌های عمومی و معمول، با رنج و زمان بسیار به دست آورده، گاهی درهنر، دود می‌شود. البته گاهی هم دو، بل صدچندان و تأیید می‌شود. خب! چرا میان عقل و هنر، جنگ می‌شود؟ چرا دائماً صلح نیست؟! حقیقت آن است که میان هیچ دوامری، دائماً صلح نیست!

صلح در اتحاد و وحدت است.هرگاه میان دوامر، اتحاد و وحدت جاری است، صلح هم هست. صلح واقعی در وحدت و اتحاد است. برای رسیدن هنر به وحدت، باید هنرمند به وحدت رسیده باشد! هنرمند موحد و متحد بنا حق، هنرش بسوی وحدت می‌دهد! او نما و او شنوا می‌شود. در این ظهور، عقل نسبت‌ها با او متحد است، بلکه به رقص و نوا، تأییدش می‌کند و هم‌آوا و همراه او به او می‌نماید! اینها همه قدرت رسانگی هنر و اهمیت رسانه بودن آن است. راه صد ساله عقل را، هنر یک شبه طی می‌کند و در یک مواجهه به او می‌رساند! و دراین میان، موسیقی رازی عجیب دارد. رازی که از آن او است و از سوی او است و او را روایت می‌کند!

- تلفن:** ۰۸۸۷۶۱۷۲۰:نمابر: ۰۸۸۷۶۱۲۵۴ارتباط مردمی: ۰۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک:** ۰۳۰۰۴۵۱۳۳: روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۰۵۳۸۸۰۵۳۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۰۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارند‌ه گواهینامه اینزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۰۲۱)۰۸۸۷۷
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۰۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



آنچه درباره از یاد بردن گذشته‌ها می‌گویند درست نیست، چون گذشته با سماجت راه خود را باز می‌کند.

یادیداد باز، خالد حسینی



کلمه

روایت پُرفراز و فرود اعزاز یک مدافع حرم



نیلوفر نصیری
منتقد ادبی



اسم

مستعارش

سیدمهدی سجادی

بود. خیلی

عادی داشت

زندگی‌اش را

می‌کرد. آسه

مستعارش

سیدمهدی سجادی

بود. خیلی

هر روز و هر شب خودش را توی جنگ با داعش تصور می‌کرد اما از اعزاز خبری نبود. رفت و آمد از سبزوار به قم، نداشتن کارت پایان خدمت، راضی نبودن مادر، همه و همه کار را برای رفتنش سخت‌تر می‌کرد. چندین بار تا پای اعزاز رفت اما قسمت نشد. بالاخره قفل رفتن توی یک روضه شکست!

حضرت زینب(س) طلبید و گره‌ها یکی بعد از دیگری باز شدند. رفت سوریه.

«السلام علیک یا بنتِ سَیدِ الانبیا». بعد زیارت، توی یک پادگان مستقر شدند. هر روز منتظر اعزاز

به خط مقدم بود، اما خبری از اعزاز نبود. رفتند توی کار فرهنگی تا شاید زودتر اعزاز شوند. همراه

یکی از دوستانش شدند دیواز نویس و روی دیوارهای شهر و روستا جملات انگیزشی می‌نوشتند. اما باز

هم فایده‌ای نداشت.

مهدی موحد، از دوستان سبزواری‌اش هم آنجا بود. یک روز اتفاقی هم را دیدند و از احوالات جنگ

صحبت کردند. اوضاع خوبی نبود. هنوز به خط مقدم اعزاز نشده بودند که زمان ماندن تمام شد.

بعد یک ماه ماندن توی سوریه، با همان گروهی که رفته بودند برگشتند ایران.

چیزی نگذشت که خبر شهادت مهدی موحد را آوردند. داغی بود که به دل نشست. دوباره عطش رفتن بالا گرفت. کارها به سختی پیش می‌رفت

اما بالاخره درست شد. رفت فرودگاه. پای سوار شدن به هواپیما جلویش را گرفتند. گفتند:

«ممنوع‌الخروجی!...چرا...»

روایت پرفراز و فرود این مدافع حرم را می‌توانید

در کتاب «ممنوع‌الخروج» بخوانید و لذت ببرید؛

خاطرات روان و شیرینی که نویسنده، نمک طنز

روی آن پاشیده تا شیرینی‌اش زنده نشود. این

کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای، به قلم محمد حکم‌آبادی و تحقیق اسماعیل هاشم‌آبادی به همت انتشارات

راهبار روانه کتابفروشی‌ها شده است.



عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر

عکس، ماهر